

هر کشوری که خود را برای تحولی بزرگ آماده می‌سازد، به یقین تحولی در فلسفه و اندیشه‌ی خود به وجود آورده است و از نگاه‌های ایستا و جمود و تحجر تربیتی، به سمت دیدگاه‌ها و اندیشه‌های پویا حرکت کرده است. این‌گونه کشورها معمولاً تحول را از درون جامعه‌ی آموزش و پرورش خود آغاز کرده‌اند. «برنامه‌ی درسی ملی» نیز در همین راستا قابل تبیین است. آموزش و پرورش کشور ما می‌باید از صحت بهره‌مندی از دستاوردهای فرهنگ و تمدن بشری مطمئن شود، از فلسفه‌های غیر خودی پرهیز کند تا ضمن پرهیز از تحجر، به دام لیبرالیسم تربیتی نیز نیفتد! از این‌رو بایستی کوثر اندیشه پرتوان و فلسفه‌ی متعالی انقلاب اسلامی، یعنی همان اسلام ناب محمدی را در همه‌ی ابعاد به کار گیرد.

تاکنون و پس از گذشت ۳۰ سال، با وجود همه‌ی تلاش‌هایی که در این حوزه انجام گرفته، مبانی فلسفی آموزش و پرورش ما در مواردی با اندیشه‌های لیبرالیستی و اومانستی آمیخته است و فلسفه‌ها و اندیشه‌های تربیتی و آموزشی

اسلام، آن‌گونه که باید مورد تدبیر و تدوین قرار نگرفته‌اند. به همین سبب بارها رهبر معظم انقلاب و مراجع دینی خواسته‌اند که آموزش و پرورش تحول یابد، هویت اصلی اسلامی خود را بازیابی کند و آن را در همه‌ی مجراهای آموزش و پرورش جاری و ساری سازد.

پس از تنظیم «سند ملی آموزش و پرورش» و طی مراحل قانونی آن، برنامه‌ی درسی ملی در دستور کار قرار گرفت. در این برنامه مطابق با آن‌چه در سند ملی آموزش و پرورش آمده است، مبانی فلسفی، معرفت‌شناختی، ارزش‌شناختی، انسان‌شناختی، جامعه‌شناختی و روان‌شناختی، با بهره‌گیری از اندیشه‌های اسلامی مورد تأکید و مبنای کار قرار گرفت و به حوزه‌های متفاوت علوم و از جمله بخش یاددهی و یادگیری پرداخته شد. بسیاری از اندیشمندان حوزه‌ی آموزش و پرورش و شاید بهترین آن‌ها، کاری سترگ را آغاز کردند که تا آن زمان، نسبت به انجامش کم‌لطفی شده بود. هرچند که این مهم با فراز و نشیب‌های متعددی روبه‌رو شد، اما به هر حال سندی

شسته و رفته آماده گردید که قابل اعتنای فراوان است.

نکته این‌جاست که دست‌اندرکاران به‌خوبی دریافته بودند که نمی‌توان از دستاوردهای بشری در حوزه‌ی اندیشه غفلت کرد. اما این بار دستاوردهای مذکور باید با معیارهای سنجیده‌ی اسلامی مورد مذاقه قرار گیرند و به نقد عالمانه کشیده شوند. آن‌گاه باید از این‌گونه اندیشه‌ها، تا بدان‌جا که با مبانی اندیشه‌ی اسلامی در تضاد قرار نگیرد، در جهت ارتباط فکری با دنیای بیرون از اسلام استفاده کرد. به یاد داشته باشیم که مسئولان محترم نیز به فراست دریافته‌اند که باید از التقاط در اندیشه و گفتمان‌های فلسفی پرهیزند تا این‌گونه اندیشه‌ها به جای اسلام و اندیشه‌های آن قرار نگیرند.

ابعاد و فصل‌های گوناگون برنامه‌ی درسی ملی، هم‌چون مبانی فلسفی و علمی، اهداف و الگوهای هدف‌گذاری، ساختار، زمان و محتوا، راهبردهای یاددهی و یادگیری، ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی، و... نشان می‌دهند که تلاش‌های بی‌وقفه و



در عین حال بسیار ارزشمندی برای تحول بنیادین برنامه‌های درسی و تربیتی مدارس جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته‌اند که این می‌تواند سرآغازی متین برای پاسخ به مطالبه‌ی مقام معظم رهبری و همه‌ی آحاد ملت مسلمان ما باشد.

از همه مهم‌تر، این همه تلاش نباید ابتر باقی بماند و در پیچ‌وخم‌های اداری آموزش و پرورش گم شود. بلکه ضرورت دارد، اسنادی هم‌چون سند ملی آموزش و پرورش و برنامه‌ی درسی ملی را در تمامی رده‌های آموزش و پرورش و در میان اقشار مختلف جامعه ترویج کرد و از طریق آموزش و تبلیغ در سطوح گوناگون، این تحولات را به خوبی شناساند و در مسیر اجرا قرار داد. در غیر این صورت، اجرای این‌گونه موارد با مشکلات و موانع متعددی روبه‌رو خواهد شد که حتی ممکن است، عقیم ماندن این طرح‌های ملی و بسیار اثرگذار را در پی داشته باشد.

بنابراین، همتی مضاعف و تلاشی مضاعف‌تر می‌طلبد که همه‌ی دلسوزان نظام اسلامی و آحاد جامعه به آن بپردازند.

سردبیر

اولین برنامه درسی ملی